فصلنامه مطالعات محیط زیست، منابع طبیعی و توسعه پایدار
سال دهم، شماره ۲ (پیاپی: ۳۵)، تابستان ۱۴۰۵
ISSN: 2588-4255

بررسی نقش مبلمان شهری در هویت‌بخشی و ارتقای کیفیت فضاهای شهری (مطالعه موردی: شهر اردبیل)

مریم حافظی فر*[۱] مهدیس زادگری[۲]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۲/۳۰
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۴/۰۳
کد مقاله: ۱۵۱۶۰

چکـیده

هدف این پژوهش، بررسی نقش مبلمان شهری در هویت‌بخشی و ارتقای کیفیت فضای شهری اردبیل است. مطالعه با رویکرد کیفی و تحلیل محتوای اسناد و مقالات مرتبط انجام شد. داده‌ها از مرور نظام‌مند مطالعات پیشین گردآوری و با کدگذاری باز، محوری و انتخابی، مقولات اصلی استخراج و مدل مفهومی تدوین گردید. یافته‌ها نشان می‌دهد عدم رعایت استانداردها، ارگونومی، جانمایی نامناسب، فرسودگی و بی‌توجهی به نگهداری، کیفیت بصری و عملکردی فضاهای شهری را کاهش داده و به کاهش خوانایی، تضعیف هویت شهری و کاهش حس تعلق و رضایت شهروندان می‌انجامد. در مقابل، طراحی هماهنگ با بافت فرهنگی و کالبدی، استفاده از مصالح باکیفیت و نگهداری منظم، به ارتقای کیفیت فضا و تقویت هویت شهری کمک می‌کند. نتایج نشان می‌دهد مبلمان شهری فراتر از عنصری فیزیکی، ابزاری مؤثر در شکل‌دهی به هویت و تجربه ادراکی شهروندان است. رعایت استانداردها، توجه به ویژگی‌های فرهنگی و رویکرد نظام‌مند در طراحی، استقرار و نگهداری، می‌تواند کیفیت فضاهای عمومی، حس تعلق و رضایت شهروندان را در اردبیل بهبود بخشد.

واژگـان کلـیدی: مبلمان شهری، هویت شهری، کیفیت فضای شهری، استانداردهای طراحی، رضایت شهروندان.

۱ - استادیار گروه معماری، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران، *m.hafezifar@iau.ir*
۲- دانشجوی دکتری معماری، گروه معماری، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران

۱- مقدمه

فضای شهری به‌عنوان بستر شکل‌گیری تعاملات اجتماعی و نمودِ فرهنگ و هویت جمعی، در نحوه‌ی برداشت شهروندان از شهر نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر ارتقای کارایی و کیفیت این فضاها، مبلمان شهری است؛ مجموعه‌ای از تجهیزات، عناصر و اجزای محیطی که با هماهنگی در کالبد فیزیکی شهر، بر میزان آسایش، زیبایی و عملکرد فضاهای عمومی اثر می‌گذارند. در سال‌های اخیر، در برنامه‌ریزی شهری ایران توجه به «هویت شهری» و «کیفیت زیست‌پذیری فضاهای شهری» به‌طور جدی مورد تأکید قرار گرفته است. کیفیت یک شهر صرفاً به طراحی کالبدی و شبکه معابر محدود نمی‌شود، بلکه به میزان کارآمدی و نحوه استقرار عناصر مبلمان شهری نیز وابسته است. از این منظر، استان اردبیل با برخورداری از ویژگی‌های فرهنگی-تاریخی خاص، نیازمند بررسی دقیق‌تری در حوزه‌ی منظر شهری و عناصر مبلمان است. یافته‌های پژوهش‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که در شهر اردبیل، هرچند در برخی موارد به استانداردهای طراحی توجه شده است، اما بسیاری از اجزای مبلمان شهری نظیر نیمکت‌ها، سطل‌های زباله، روشنایی‌ها و ایستگاه‌های اتوبوس از نظر جانمایی و نیز تناسب بصری با فضاهای عمومی با ضعف‌هایی مواجه‌اند؛ این موضوع باعث شده کیفیت عملکردی و زیبایی‌شناسی بخشی از فضاهای شهری، به‌ویژه در محدوده‌هایی مانند حاشیه رودخانه بالیخلی‌چای و شورابیل، آن‌چنان که انتظار می‌رود ارتقا پیدا نکند. همچنین، پژوهش‌های پیشین ارتباطی مثبت و معنادار میان کیفیت مبلمان شهری و میزان رضایت شهروندان از محیط شهری گزارش کرده‌اند؛ به‌طوری‌که وجود مبلمان استاندارد می‌تواند رضایت از زندگی شهری و نیز برداشت مثبت از هویت مکان را تقویت کند(Yung et al.,2016:11). بنابراین مبلمان شهری تنها یک کارکرد فیزیکی ندارد، بلکه به‌عنوان عنصری مؤثر در شکل‌دادن به تصویر ذهنی شهروندان از شهر، جایگاه هویت‌ساز نیز دارد. با این حال، بررسی‌های تجربی نشان داده‌اند که مبلمان شهری در اردبیل از نظر کیفیت بصری و تناسب با محیط، غالباً در سطح متوسط قرار دارد و از جانمایی دقیق یا همخوانی کالبدی با پیرامون خود برخوردار نیست(Zeinali & babaei.,2015:12).

در نتیجه، ضرورت انجام یک پژوهش جامع و مستند در سطح استان برای ارزیابی میزان انطباق مبلمان شهری با معیارهای کیفیت و هویت‌بخشی بیش از پیش احساس می‌شود. از سوی دیگر، با وجود رشد طرح‌های زیباسازی در دهه‌های اخیر، همچنان بسیاری از شهرهای کشور در حوزه‌ی انسجام کالبدی و هویت‌بخشی فضایی دچار کاستی هستند. یکی از دلایل اصلی این نارسایی‌ها، فهم نادرست یا ناکافی از نقش مبلمان شهری به‌عنوان ابزار مؤثر در ارتقای کیفیت فضاهای عمومی و نیز تقویت هویت شهر است.

در استان اردبیل، به دلیل تفاوت‌های ساختار فرهنگی و اقلیمی، نبود هماهنگی در طراحی، انتخاب مصالح و رنگ‌بندی، و همچنین نامناسب بودن جانمایی عناصر مبلمان شهری موجب شده چهره‌ی شهری تا حدی از ویژگی‌های بومی خود فاصله بگیرد. بر اساس مطالعات انجام‌شده در محدوده شهری اردبیل، کیفیت محیط شهری رابطه‌ای مستقیم با وضعیت مبلمان شهری دارد؛ یعنی هر نوع ضعف در طراحی یا نصب این عناصر، علاوه بر کاهش رضایت شهروندان، می‌تواند بر ادراک آن‌ها از هویت فضایی محیط نیز اثر منفی بگذارد(مهدی‌زاده،۱۳۹۱ :۸). از همین رو، بررسی وضعیت موجود مبلمان شهری در سطح استان، با رویکردی تحلیلی و ارزیابانه، ضروری است تا ابعاد مرتبط با هویت‌بخشی، زیبایی‌شناسی و کارکرد شناسایی شود.

بنابراین، مسئله اصلی این پژوهش عبارت است از:

آیا مبلمان شهری موجود در استان اردبیل توانسته است در هویت‌بخشی شهری و ارتقای کیفیت فضای شهری نقش مؤثری ایفا کند؟

پاسخ به این پرسش می‌تواند برای مدیران شهری و طراحان فضاهای عمومی، زمینه‌ی تصمیم‌گیری در جهت بهبود کیفیت محیط‌های شهری، افزایش رضایت شهروندان و تقویت بازآفرینی هویت بومی و فرهنگی در فضاهای شهری استان اردبیل را فراهم سازد.

۲- مرور ادبیات و مبانی نظری پژوهش

۲-۱- مبلمان شهری

مبلمان شهری مجموعه‌ای گسترده از وسایل، اشیا، تجهیزات، نمادها، خرده‌پایه‌ها، فضاها و عناصر است که در شهر و خیابان و به طور کلی در فضاهای باز نصب شده و کارکردی با دسترسی عمومی دارند. این مجموعه معمولاً با عنوان «اثاثه شهر» نیز شناخته می‌شود(ژان پیر، ۱۳۷۱ :۷۷). این عناصر که برای تأمین راحتی و آسایش، ارائه اطلاعات، کمک به کنترل حرکت، و ایجاد امنیت و رفاه حالِ استفاده‌کنندگان در فضاهای باز، سبز یا معابر شهری قرار می‌گیرند.

۲-۲- فضای عمومی

فضای عمومی معمولاً به مکان‌هایی اطلاق می‌شود که همه شهروندان بتوانند به‌صورت آزاد و قانونی به آن‌ها دسترسی داشته باشند. این فضاها تنها شامل خیابان‌ها، میادین و چهارراه‌ها نیستند، بلکه فضاهای داخلیِ مرتبط با کارکردهای عمومی ساختمان‌ها مانند کتابخانه‌ها و سالن‌های اجتماعات دستگاه‌های عمومی نیز در این تعریف قرار می‌گیرند(رفیعیان و خدایی، ۱۳۸۹ :۲۶). از سوی دیگر، فضای عمومی به‌عنوان بستری برای حیات مدنی و شهرگرایی مطرح می‌شود(پارسی، ۱۳۸۲ :۴۵). این نوع فضا نسبت به مکان‌های معمولی جایگاه برتری دارد و صرفاً با معیارهای هندسی و زوایای کالبدی تعریف نمی‌شود(کریر، ۱۳۷۵ :۶۸).

فضای شهری، علاوه بر برخورداری از ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی، به‌عنوان ظرفِ فعالیت‌های شهری و ضرورت‌های وابسته به آن نیز تلقی می‌گردد. در عین حال، فضاهای شهری می‌توانند به‌عنوان اشکال فضایی‌ای که به شکل اتفاقی سازمان یافته‌اند نیز نگریسته شوند؛ ماهیت چنین فضاهایی را باید در قالب بیان فرهنگی فهم کرد؛ زیرا این اشکال نوعی بازتاب از ایدئولوژی هستند(Castelles, 1977:48).

همچنین بخش‌هایی از بستر طبیعی مانند سواحل رودخانه‌ها از مهم‌ترین عوامل شکل‌دهنده فضای شهری محسوب می‌شوند؛ به‌گونه‌ای که محیط مصنوع می‌تواند در قالب فضای عمومی سامان یابد(مدنی‌پور، ۱۳۷۹ :۵۵). حاشیه رودخانه‌ها که در درون بافت فیزیکی شهر عبور می‌کنند، با توجه به محدودیت زمین در شهرها و نیز ویژگی جغرافیایی خاص خود که بستر ایجاد فضاهای عمومی و تفرجگاه‌های شهری را فراهم می‌سازد، در برنامه‌ریزی شهری اهمیت ویژه‌ای دارند.

هم‌نشینی و ترکیب محیط مصنوع با محیط طبیعی موجب رونق و افزایش کارایی فضاهای عمومی شهری می‌شود؛ بنابراین منابع طبیعی نظیر رودخانه و دریاچه می‌توانند به شکل‌گیری و ارتقای چشم‌اندازهای شهری و افزایش جذابیت محیط شهری کمک کنند(شیعه، ۱۳۸۷ :۳۹).

۲-۳- کیفیت محیطی

کیفیت محیطی را می‌توان در دو بعد «کالبدی» و «ادراکی» تعریف کرد. بعد کالبدی به شرایط و کمیت عناصر محیطی مانند هوا، صدا، آب، میزان آلودگی، منابع، و نیز مؤلفه‌های قابل دیدن و لمس کردن توجه دارد. در بعد ادراکی، عواملی همچون امنیت و ایمنی، زیبایی و سایر ویژگی‌های کیفی مورد نظر قرار می‌گیرند؛ این ویژگی‌ها در مجموع می‌توانند بر میزان رضایت شهروندان از محیط و عناصر کالبدی اثرگذار باشند(Khattab,1993:37).

۲-۴- مبلمان شهری و برنامه‌ریزی شهری

بحث درباره مبلمان شهری و ارتباط آن با برنامه‌ریزی شهری، موضوعی بین‌رشته‌ای است که در برخی موارد به‌صورت مستقل، کمتر نظریه‌پردازی شده است. گیبونز و اوبرهولزر(۱۹۹۱) معتقدند طراحی و مکان‌گزینی مناسب مبلمان شهری اثر مستقیمی بر کیفیت محیطی و شیوه زندگی شهروندان دارد.

سعیدنیا(۱۳۷۹) بر این باور است که هم کمیت و هم کیفیت طراحی و مکان‌گزینی صحیح مبلمان شهری به‌خصوص در فضاهای عمومی می‌تواند به ارتقای کیفیت، تعلق مکانی و افزایش رضایت از فضاهای شهری منجر شود. حبیبی(۱۳۷۹) نیز تأکید می‌کند که با توجه به ضرورت وجود فضاهای عمومی در زندگی شهری، توجه به کیفیت این فضاها در برنامه‌ریزی شهری امری ضروری است. همچنین ارجمند نیا(۱۳۸۰) معتقد است ارتقای کیفیت محیطی فضاهای عمومی موجب افزایش سرزندگی، نشاط، خلاقیت و رضایت شهروندان از زندگی شهری می‌شود.

وجود فضاهای عمومی مجهز به مبلمان مناسب می‌تواند به شکل‌گیری و رشد جوامع خلاق کمک کند(حسینی لاهیجی، ۱۳۸۹ :۸). در مقابل، تخریب‌گرایی و افت کیفیت مبلمان شهری می‌تواند به ایجاد فضاهای عمومیِ بی‌روح و کاهش کارایی آن‌ها منجر شود(زنگی آبادی، تبریزی، ۱۳۸۶ :۵۷). پاکزاد(۱۳۸۵) نیز می‌گوید ایجاد مبلمان مناسب در فضاهای عمومی به شکل‌گیری هویت، شخصیت و تمایزبخشی فضاها کمک کرده و احساس رضایت را در استفاده‌کنندگان افزایش می‌دهد. در مجموع، اغلب نظریه‌پردازان بر این باورند که ارتقای فضاهای عمومی شهری و تجهیز آن‌ها با اثاثه مناسب، از وظایف حوزه عمومی محسوب می‌شود.

۲-۵- جمع بندی مرور ادبیات

بررسی منابع و مطالعات انجام‌شده نشان می‌دهد که مبلمان شهری یکی از عناصر مهم در شکل‌گیری کیفیت فضای شهری، زیبایی بصری و هویت شهری به شمار می‌رود. طراحی مناسب و جانمایی صحیح این عناصر می‌تواند موجب افزایش رضایت شهروندان، ارتقای کارایی فضاهای عمومی و تقویت حس تعلق به مکان شود. در مقابل، طراحی نامتناسب و عدم هماهنگی مبلمان

با بافت و فرهنگ شهری می‌تواند موجب کاهش کیفیت منظر شهری و نارضایتی کاربران فضاهای شهری گردد. مطالعات نشان می‌دهد که اگرچه مبلمان شهری در برخی فضاها وجود دارد، اما در بسیاری از موارد از نظر طراحی، هماهنگی بصری و مکان‌یابی با چالش‌هایی مواجه است. بنابراین توجه به اصول طراحی، هویت فرهنگی و نیازهای شهروندان در ساماندهی مبلمان شهری می‌تواند نقش مؤثری در ارتقای کیفیت فضای شهری و هویت‌بخشی به شهر داشته باشد.

۳- روش تحقیق

این پژوهش با هدف بررسی وضعیت مبلمان شهری در استان اردبیل از جنبه‌ی هویت‌بخشی و ارتقای کیفیت فضای شهری، با رویکرد ترکیبی (کمی–کیفی) انجام می‌شود. رویکرد ترکیبی به پژوهش امکان می‌دهد هم‌زمان به بررسی ابعاد عینی و ادراکی مبلمان شهری بپردازد؛ بدین معنا که از یک سو وضعیت کالبدی و عملکردی عناصر مبلمان مورد مطالعه قرار می‌گیرد و از سوی دیگر دیدگاه‌ها و میزان رضایت شهروندان نسبت به این عناصر تحلیل می‌شود.

۳-۱- نوع و ماهیت پژوهش

از نظر هدف، پژوهش حاضر کاربردی است؛ زیرا نتایج آن می‌تواند در برنامه‌ریزی و طراحی مبلمان شهری مورد استفاده‌ی مدیران شهری و شهرداری‌ها قرار گیرد. از نظر روش و ماهیت نیز پژوهش توصیفی–تحلیلی محسوب می‌شود و با اتکا به روش‌های پیمایشی و تحلیل کیفی، به بررسی مسئله می‌پردازد.

۳-۲- روش کیفی پژوهش

در بخش کیفی، برای شناخت چارچوب نظری، شاخص‌ها و مؤلفه‌های مرتبط با مبلمان شهری، هویت شهری و کیفیت فضای شهری، از مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی استفاده شده است. در این مرحله، منابع علمی شامل مقالات پژوهشی، گزارش‌های علمی و مطالعات پیشین بررسی و سپس با تحلیل محتوا، شاخص‌های اصلی استخراج شده‌اند. علاوه بر این، برای فهم وضعیت موجود مبلمان شهری، مشاهده و بررسی میدانی نیز انجام می‌شود. حاصل این مرحله در شناسایی مؤلفه‌هایی مانند زیبایی‌شناسی، کارایی، هماهنگی با محیط، هویت‌بخشی و رضایت شهروندان نقش دارد.

۳-۳- روش کمی پژوهش

در بخش کمی، برای سنجش نظر شهروندان درباره وضعیت مبلمان شهری از روش پیمایشی استفاده شده است. ابزار اصلی گردآوری داده‌ها در این بخش، پرسشنامه محقق‌ساخته است که بر پایه‌ی شاخص‌های استخراج‌شده از ادبیات نظری و پیشینه پژوهش تنظیم شده. پرسشنامه شامل گویه‌هایی در حوزه‌ی کیفیت طراحی مبلمان شهری، میزان کارایی، تناسب با هویت شهری، زیبایی بصری و نیز میزان رضایت شهروندان از فضاهای شهری است.

۳-۳-۱-جامعه آماری و نمونه‌گیری

جامعه آماری این پژوهش شامل شهروندان استفاده‌کننده از فضاهای شهری در استان اردبیل است. تعداد ۳۷۵ نفر از آنان با استفاده از فرمول کوکران به صورت تصادفی ساده انتخاب شده و پرسشنامه پژوهش میان آن‌ها به روش تصادفی ساده توزیع گردید.

۳-۴- روش گردآوری داده‌ها

گردآوری داده‌ها به‌صورت میدانی انجام شد و محقق از طریق مراجعه به محلات مورد مطالعه (شهر اردبیل) اطلاعات لازم را جمع‌آوری کرد.

۳-۵- ابزار گردآوری اطلاعات

ابزار این پژوهش پرسشنامه محقق‌ساخته ۲۵ سوالی با مقیاس لیکرت بود.

۳-۶- روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

داده‌های گردآوری‌شده و نتایج همراه با جداول، نمودارها و نقشه‌ها، با رویکرد تحلیلی و توصیفی مورد تحلیل و تبیین قرار گرفت. برای تأیید یا رد فرضیه‌های پژوهش از تحلیل استدلالی داده‌های آماری و نیز آزمون‌های رگرسیون و T تک نمونه‌ای در

نرم‌افزار SPSS استفاده شد. در بخش کیفی نیز داده‌های به‌دست‌آمده از مطالعات اسنادی و مشاهدات میدانی با روش تحلیل محتوا تحلیل شده و سپس نتایج آن‌ها برای تبیین یافته‌های کمی به کار گرفته شد.

۳-۷- روایی و پایایی ابزار پژوهش

برای افزایش روایی پرسشنامه، نظر خبرگان و متخصصان در حوزه برنامه‌ریزی شهری و معماری شهری اخذ شد. همچنین پایایی ابزار با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ بررسی گردید تا میزان هماهنگی درونی گویه‌ها مشخص شود. در مجموع، ترکیب روش‌های کیفی و کمی در این پژوهش امکان تحلیل جامع‌تری از وضعیت مبلمان شهری در استان اردبیل فراهم می‌کند و به ارائه نتایج دقیق‌تر در زمینه‌ی هویت‌بخشی و ارتقای کیفیت فضای شهری کمک خواهد کرد.

۴- یافته‌های تحقیق

۴-۱- یافته‌های کمی

پس از جمع آوری و بررسی پرسشنامه‌ها و تجزیه و تحلیل آن‌ها نتایج زیر گزارش می‌گردد:

جدول ۱- نتایج آزمون کولموگروف–اسمیرنوف جهت تعیین نرمال بودن توزیع متغیرهای پژوهش

آماره	مبلمان شهری	کیفیت محیط شهری	رضایتمندی شهروندان
میانگین	۲/۱۸	۲/۵۳	۲/۴۸
انحراف معیار	۰/۴۹	۰/۳۰	۰/۸۵
مقدار K کولموگروف–اسمیرنوف	۰/۵۷	۰/۲۶۳	۰/۴۵۱
سطح معنی‌داری	۰/۲۴۴	۰/۱۱۲	۰/۰۹۹

بر اساس نتایج آزمون کولموگروف–اسمیرنوف ارائه شده در جدول (۱)، سطح معنی‌داری برای متغیرهای رضایتمندی شهروندان، کیفیت محیط شهری و مبلمان شهری بیشتر از ۰/۰۵ گزارش شده است. این موضوع نشان می‌دهد که توزیع داده‌های مربوط به این متغیرها از الگوی نرمال تبعیت می‌کند. بنابراین استفاده از آزمون‌های پارامتریک برای بررسی روابط بین متغیرهای پژوهش مناسب و قابل قبول خواهد بود.

جدول ۲- خلاصه مدل رگرسیون کیفیت محیط شهری با توجه به مبلمان شهری بر رضایتمندی

ضریب تعیین تعدیل‌شده	ضریب تعیین	ضریب همبستگی
۰/۶۵	۰/۷۰	۰/۸۴

نتایج جدول فوق (۲) بیانگر وجود رابطه‌ای مثبت و نسبتاً قوی میان کیفیت محیط شهری و رضایتمندی شهروندان است. مقدار ضریب همبستگی برابر با ۰/۸۴ به دست آمده که نشان‌دهنده ارتباط قابل توجه میان این دو متغیر می‌باشد. همچنین مقدار ضریب تعیین ۰/۷۰ نشان می‌دهد که حدود ۷۰ درصد از تغییرات رضایتمندی شهروندان توسط متغیر کیفیت محیط شهری قابل توضیح است و بخش باقی‌مانده به سایر عوامل تأثیرگذار مربوط می‌شود.

جدول ۳- نتایج تحلیل رگرسیون بین کیفیت محیط شهری با توجه به مبلمان شهری بر رضایتمندی

مؤلفه‌ها	ضرایب غیر استاندارد		ضریب استانداردBeta	t	SiG
	B	انحراف معیار			
مقدار ثابت	-۰/۳۰۸	۰/۱۱۵	-	۲/۴۸۶	۰/۰۰۸
کیفیت محیط شهری با توجه به مبلمان شهری	۰/۳۶۱	۰/۰۲۹	۰/۸۴۱	۲۹/۹۸۳	۰/۰۰۰

برای بررسی میزان تأثیر کیفیت محیط شهری با توجه به مبلمان شهری بر رضایتمندی شهروندان از تحلیل رگرسیون استفاده شده است. نتایج حاصل از جدول نشان می‌دهد که مقدار سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۵ بوده و بنابراین رابطه میان متغیرها از نظر آماری معنادار است. مقدار ضریب استاندارد Beta برابر با ۰/۸۴ نشان می‌دهد که بهبود کیفیت محیط شهری با در نظر گرفتن وضعیت مبلمان شهری می‌تواند به طور قابل توجهی باعث افزایش رضایتمندی شهروندان از فضای شهری شود.

جدول ٤- نتایج آزمون t تک نمونه‌ای

مقدار مقایسه=۳				انحراف معیار	میانگین
سطح معنی داری	درجه آزادی	t	اختلاف میانگین		
۰/۰۰۰	۳۷۴	۶۰/۴۱	۰/۴۲	۰/۴۵	۳/۴۲

مطابق نتایج آزمون t تک نمونه‌ای ارائه شده در جدول (۴)، میانگین به‌دست‌آمده برای متغیر مورد بررسی ۳/۴۲ است که از مقدار معیار ۳ بیشتر می‌باشد. همچنین سطح معنی‌داری آزمون کمتر از ۰/۰۵ گزارش شده است؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که وضعیت این شاخص در جامعه مورد مطالعه بالاتر از حد متوسط ارزیابی شده و از نظر آماری تفاوت معناداری با مقدار معیار دارد.

جدول۵- نتایج آزمون t تک نمونه‌ای

مقدار مقایسه=۳				انحراف معیار	میانگین
سطح معنی داری	درجه آزادی	t	اختلاف میانگین		
۰/۰۰۰	۳۷۴	۶۳/۶۰	-۰/۵۶	۰/۴۳	۲/۴۴

بر اساس نتایج ارائه شده در جدول (۵)، میانگین متغیر عدالت شهری در شهر اردبیل برابر با ۲/۴۴ گزارش شده که کمتر از مقدار معیار ۳ می‌باشد. با توجه به اینکه سطح معنی‌داری آزمون نیز کمتر از ۰/۰۵ است، می‌توان بیان کرد که وضعیت عدالت شهری در شهر اردبیل از دیدگاه پاسخ‌دهندگان پایین‌تر از سطح متوسط ارزیابی شده و این اختلاف از نظر آماری معنادار است.

جدول ٦- خلاصه مدل رگرسیون عدم رعایت اصول استانداردهای مبلمان شهری و کیفیت محیط شهری

ضریب تعیین تعدیل شده	ضریب تعیین	ضریب همبستگی
۰/۲۱	۰/۲۲	۰/۴۷

نتایج جدول (۶) نشان می‌دهد که ضریب همبستگی بین عدم رعایت اصول استانداردهای مبلمان شهری و کیفیت محیط شهری برابر با ۰/۴۷ است که بیانگر وجود رابطه‌ای نسبتاً قابل توجه میان این دو متغیر می‌باشد. همچنین مقدار ضریب تعیین ۰/۲۲ نشان می‌دهد که حدود ۲۲ درصد از تغییرات کیفیت محیط شهری توسط متغیر عدم رعایت استانداردهای مبلمان شهری قابل تبیین است و مابقی تغییرات به سایر عوامل مؤثر مربوط می‌شود.

جدول ۷- نتایج تحلیل رگرسیون بین عدم رعایت اصول استانداردهای مبلمان شهری و کیفیت محیط شهری

مؤلفه‌ها	ضرایب غیر استاندارد		ضریب استانداردBeta	t	Sig
	B	انحراف معیار			
مقدار ثابت	۲/۷۴۳	۰/۰۹۸	-	۲۸/۰۱۰	۰/۰۰۰
عدم رعایت اصول استانداردهای مبلمان شهری	-۰/۲۸۹	۰/۰۲۵	-۰/۴۷۰	-۱۰/۲۷۸	۰/۰۰۰

برای بررسی تأثیر عدم رعایت اصول استانداردهای مبلمان شهری بر کیفیت محیط شهری از تحلیل رگرسیون خطی استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۵ بوده و در نتیجه رابطه میان متغیرها از نظر آماری معنادار است. مقدار ضریب استاندارد Beta برابر با ۰/۴۶- حاکی از آن است که میان این دو متغیر رابطه‌ای معکوس وجود دارد؛ به این معنا که افزایش بی‌توجهی به استانداردهای مبلمان شهری موجب کاهش کیفیت محیط شهری می‌شود.

جدول۸- خلاصه مدل رگرسیون عدم رعایت اصول استانداردهای مبلمان شهری و رضایت محیط شهری

ضریب تعیین تعدیل شده	ضریب تعیین	ضریب همبستگی
۰/۱۵	۰/۱۵	۰/۳۹

مطابق نتایج جدول (۸)، ضریب همبستگی میان عدم رعایت اصول استانداردهای مبلمان شهری و رضایت محیط شهری برابر با ۰/۳۹ گزارش شده است که بیانگر وجود رابطه میان این دو متغیر می‌باشد. همچنین ضریب تعیین ۰/۱۵ نشان می‌دهد که حدود ۱۵ درصد از تغییرات رضایت محیط شهری توسط این متغیر قابل توضیح است و سایر تغییرات به عوامل دیگر وابسته است.

جدول ۹- نتایج تحلیل رگرسیون بین عدم رعایت اصول استانداردهای مبلمان شهری و رضایت محیط شهری

مؤلفه‌ها	ضرایب غیر استاندارد		ضریب استاندارد BETA	T	Sig
	B	انحراف معیار			
مقدار ثابت	۳/۶۶۱	۰/۰۹۴	-	۳۹/۱۳۵	۰/۰۰۰
عدم رعایت اصول استانداردهای مبلمان شهری	-۰/۱۵۰	۰/۰۲۷	-۰/۳۹	-۱/۸۶۶	۰/۰۰۰

برای تعیین تأثیر متغیر «عدم رعایت اصول استانداردهای مبلمان شهری» به عنوان متغیر پیش‌بین بر «رضایت محیط شهری» به عنوان متغیر ملاک از تحلیل رگرسیون خطی به روش ورود استفاده گردید. با مشاهده مقادیر جدول، میزان معناداری سطح خطا کمتر از ۰/۰۵ است؛ لذا رابطه میان این متغیرها معنادار می‌باشد. نتایج نشان می‌دهد که متغیر عدم رعایت اصول استانداردهای مبلمان شهری ۴۳ درصد از تغییرات رضایت محیط شهری را پیش‌بینی می‌کند. ضریب استاندارد منفی (BETA=-0/43) بیانگر آن است که افزایش بی‌نظمی در استقرار یا طراحی مبلمان شهری سبب کاهش قابل توجه رضایت از محیط شهری می‌گردد.

جدول ۱۰- خلاصه مدل رگرسیون عدم رعایت اصول استانداردهای مبلمان شهری و ساختار فیزیکی شهر

ضریب تعیین تعدیل شده	ضریب تعیین	ضریب همبستگی
۰/۸۰	۰/۸۰	۰/۸۹

طبق نتایج ارائه‌شده در جدول (۱۰)، مقدار ضریب همبستگی میان عدم رعایت اصول استانداردهای مبلمان شهری و ساختار فیزیکی شهر برابر با ۰/۸۹ است که بیانگر رابطه‌ای بسیار قوی میان این دو متغیر می‌باشد. همچنین مقدار ضریب تعیین برابر با ۰/۸۰ گزارش شده است؛ بدین معنا که حدود ۸۰ درصد از تغییرات ساختار فیزیکی شهر توسط متغیر عدم رعایت استانداردهای مبلمان شهری قابل تبیین و پیش‌بینی است. این میزان از تبیین، نشان‌دهنده نقش بسیار پررنگ و تعیین‌کننده رعایت یا عدم رعایت استانداردهای مبلمان شهری در وضعیت و کیفیت ساختار فیزیکی شهر است و بیان می‌کند که بخش عمده‌ای از مشکلات کالبدی موجود، مستقیماً ناشی از ضعف در طراحی، استقرار و استانداردسازی مبلمان شهری می‌باشد؛ در حالی‌که تنها ۲۰ درصد از تغییرات به عوامل دیگر مرتبط است.

جدول ۱۱- نتایج تحلیل رگرسیون بین عدم رعایت اصول استانداردهای مبلمان شهری و ساختار فیزیکی شهری

مؤلفه‌ها	ضرایب غیر استاندارد		ضریب استانداردBETA	T	Sig
	B	انحراف معیار			
مقدار ثابت	۱/۰۱۵	۰/۱۱۶	–	۸/۷۵۳	۰/۰۰۰
عدم رعایت اصول استانداردهای مبلمان شهری	۱/۱۰۱	۰/۰۲۸	۰/۸۹	۳۸/۶۷۶	۰/۰۰۰

بر اساس نتایج تحلیل رگرسیون ارائه‌شده در جدول (۱۱)، تأثیر عدم رعایت اصول استانداردهای مبلمان شهری بر ساختار فیزیکی شهری مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج نشان می‌دهد که مقدار ضریب استاندارد شده (Beta) برای این متغیر برابر با ۰/۸۹ است که بیانگر وجود رابطه‌ای بسیار قوی میان عدم رعایت استانداردهای مبلمان شهری و وضعیت ساختار فیزیکی شهر می‌باشد.

۴-۲- یافته‌های کیفی پژوهش

پس از گردآوری داده‌ها، فرایند تحلیل بر اساس کدگذاری سه‌مرحله‌ای (باز، محوری و انتخابی) انجام شد. در مرحله کدگذاری باز، مفاهیم اولیه مرتبط با وضعیت مبلمان شهری استخراج گردید. سپس در مرحله کدگذاری محوری، مفاهیم مشابه در قالب مقولات دسته‌بندی شدند و در نهایت در مرحله کدگذاری انتخابی، مضامین اصلی که بیانگر ابعاد مهم مبلمان شهری در شکل‌دهی به هویت و کیفیت فضای شهری هستند، استخراج گردید.

۴-۲-۱-استخراج مؤلفه‌ها و کدهای کیفی

نتایج تحلیل کیفی نشان داد که مبلمان شهری از طریق چند مؤلفه اصلی می‌تواند در هویت‌بخشی و ارتقای کیفیت محیط شهری نقش ایفا کند. مهم‌ترین کدهای اولیه استخراج شده شامل موارد زیر است:

- عدم هماهنگی طراحی مبلمان شهری با هویت فرهنگی شهر
- جانمایی نامناسب عناصر مبلمان در فضاهای عمومی
- فرسودگی و کیفیت پایین تجهیزات شهری
- عدم توجه به زیبایی‌شناسی و منظر شهری
- نبود تناسب میان مبلمان شهری و ساختار کالبدی شهر
- کمبود مبلمان در برخی فضاهای عمومی
- عدم رعایت اصول استاندارد و ارگونومی
- ضعف در نگهداری و مدیریت مبلمان شهری
- کاهش حس تعلق و رضایت شهروندان
- تأثیر مبلمان بر خوانایی و نظم بصری شهر

٤-۲-۲- مقولات و مضامین کیفی

پس از دسته‌بندی کدهای اولیه، چند مقوله و مضمون اصلی شناسایی شد که نقش مهمی در تحلیل وضعیت مبلمان شهری در اردبیل دارند.

الف-مضامین اصلی استخراج شده

۱. بعد زیبایی‌شناسی و منظر شهری

این بعد شامل هماهنگی طراحی، رنگ، فرم و مصالح مبلمان شهری با بافت شهری و منظر محیطی است. توجه به زیبایی‌شناسی باعث افزایش جذابیت فضاهای عمومی و تقویت هویت بصری شهر می‌شود.

۲. بعد کارکردی و عملکردی

این بعد به کارایی و قابلیت استفاده مبلمان شهری اشاره دارد. رعایت اصول ارگونومی، مکان‌یابی مناسب و پاسخگویی به نیازهای شهروندان از مهم‌ترین عوامل در این بخش محسوب می‌شود.

۳. بعد هویت فرهنگی و اجتماعی

مبلمان شهری زمانی می‌تواند در هویت‌بخشی شهر مؤثر باشد که در طراحی آن از عناصر فرهنگی، تاریخی و بومی منطقه استفاده شود. در غیر این صورت فضاهای شهری دچار یکنواختی و بی‌هویتی خواهند شد.

۴. بعد مدیریتی و نگهداری

یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر کیفیت مبلمان شهری، نحوه مدیریت، نگهداری و به‌روزرسانی تجهیزات شهری است. ضعف در مدیریت شهری و نبود برنامه‌ریزی منسجم می‌تواند منجر به فرسودگی و کاهش کارایی مبلمان شهری شود.

جدول۱۲- جدول کدگذاری کیفی پژوهش

مضمون اصلی	مقوله	کدهای اولیه
منظر شهری	زیبایی‌شناسی	ناهماهنگی فرم و رنگ مبلمان
منظر شهری	زیبایی‌شناسی	طراحی نامتناسب با بافت شهر
کارکردی	عملکردی	جانمایی نامناسب مبلمان
کارکردی	عملکردی	عدم رعایت ارگونومی
هویت شهری	فرهنگی	بی‌توجهی به فرهنگ بومی
هویت شهری	اجتماعی	کاهش حس تعلق شهروندان
مدیریت و نگهداری	مدیریتی	فرسودگی تجهیزات شهری
مدیریت و نگهداری	مدیریتی	نبود برنامه نگهداری

۴-۳- مدل مفهومی کیفی پژوهش

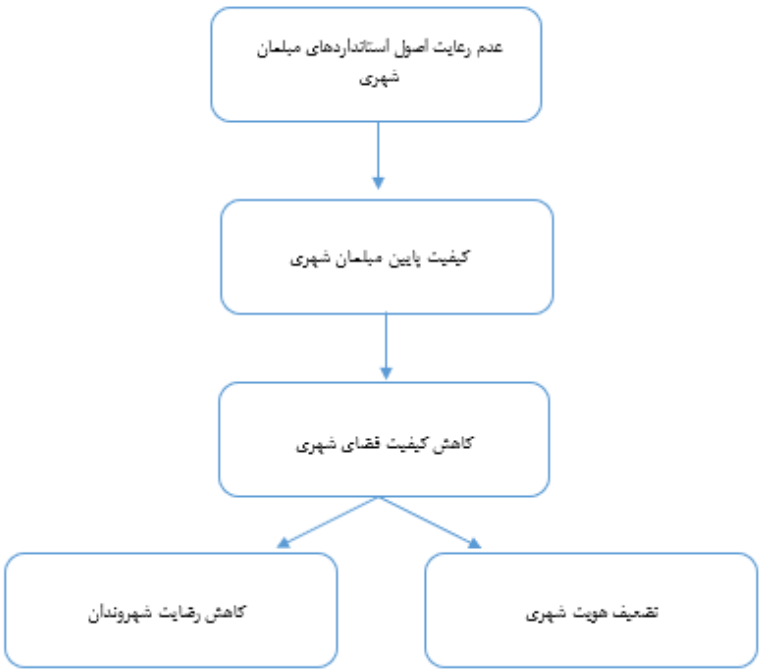

نمودار ۱- مدل نهایی

۵- نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که مبلمان شهری به‌عنوان یکی از عناصر کلیدی فضاهای شهری، نقشی بنیادین در ارتقای کیفیت محیط و تقویت هویت شهری در شهر اردبیل دارد. تحلیل داده‌های حاصل از مرور اسناد، مطالعات پیشین و تحلیل کیفی نشان داد که وضعیت فعلی مبلمان شهری در اردبیل با چالش‌هایی همچون عدم رعایت اصول استاندارد و ارگونومی، نبود هماهنگی در جانمایی و طراحی، فرسودگی تجهیزات، ضعف در نگهداری و بی‌توجهی به هویت فرهنگی و بومی مواجه است. این مشکلات منجر به بروز پیامدهایی مانند کاهش کیفیت بصری فضا، اختلال در خوانایی محیط شهری، تضعیف حس تعلق شهروندان و کاهش رضایت عمومی از محیط شهری شده است.

در چارچوب مدل مفهومی استخراج‌شده، مشخص شد که عدم رعایت استانداردهای طراحی و استقرار مبلمان شهری نقطه آغاز یک چرخه منفی در کیفیت محیط شهری است؛ به‌طوری‌که این موضوع ابتدا کیفیت مبلمان شهری را تحت تأثیر قرار داده و سپس منجر به کاهش کیفیت کلی فضاهای شهری می‌شود. این افت کیفیت در نهایت به کاهش هویت شهری و نارضایتی شهروندان می‌انجامد. بنابراین، ارتقای کیفیت مبلمان شهری می‌تواند به‌عنوان یک راهبرد مؤثر برای تقویت هویت شهری و بهبود تجربه شهروندان از فضاهای عمومی در نظر گرفته شود.

بر اساس یافته‌ها، طراحی هماهنگ با بافت تاریخی و فرهنگی، استفاده از مصالح باکیفیت، رعایت اصول ارگونومی، جانمایی صحیح و برنامه‌ریزی برای نگهداری مستمر از جمله اقداماتی است که می‌تواند به شکل معناداری کیفیت مبلمان شهری را در اردبیل ارتقا دهد. توجه به این اصول موجب افزایش خوانایی محیط، بهبود نظم بصری، ارتقای احساس امنیت و راحتی و در نهایت افزایش حس تعلق شهروندان خواهد شد.

به طور کلی این پژوهش تأکید می‌کند که مبلمان شهری تنها مجموعه‌ای از عناصر فیزیکی نیست، بلکه ابزاری مؤثر در مدیریت ادراک، هویت و تجربه شهروندان از فضاهای شهری است. بنابراین اتخاذ رویکردی جامع، مبتنی بر استانداردها و هماهنگ با ویژگی‌های فرهنگی شهر اردبیل می‌تواند نقش مهمی در شکل‌دهی به فضاهای شهری باکیفیت و هویت‌مند ایفا کند. اجرای این رویکرد می‌تواند زمینه‌ساز ارتقای رضایت شهروندان، بهبود تعاملات اجتماعی و افزایش سرزندگی در فضاهای عمومی شهر باشد.

۵-۱- پیشنهاد برای پژوهش آتی

۱. بررسی اثرات بلندمدت مداخلات مبلمان شهری بر رفتارهای اجتماعی شهروندان
۲. تحلیل مقایسه‌ای مبلمان شهری در شهرهای هم‌اندازه با اردبیل
۳. مطالعه تأثیر فناوری‌های هوشمند بر کیفیت تجربه فضاهای شهری
۴. طراحی الگوی بومی برای مبلمان شهری متناسب با هویت فرهنگی اردبیل

منابع

- مهدیزاده، جواد. (۱۳۹۱). نقش اثاثه شهری در کیفیت محیط شهری. جستارهای شهرسازی، ۳۷ و ۳۸، ۶–۱۳.
- مور، ژان پیر. (۱۳۷۳). فضاهای شهری: طراحی، اجرا و مدیریت (ترجمه: حسین. رضایی). تهران: انتشارات شهرداری تهران.
- رفیعیان، مجتبی و خدایی، زهرا. (۱۳۸۹). فضاهای عمومی شهری: رویکردی تحلیلی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- پارسی، حمیدرضا. (۱۳۸۲). شناخت محتوای فضای شهری، هنرهای زیبا، ۱۱، ۴۹–۴۱.
- مدنی‌پور، علی. (۱۳۷۹). طراحی فضای شهری، نگرشی بر فرایندی اجتماعی و مکانی (ترجمه فرهاد. مرتضایی). تهران: انتشارات پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- شیعه، اسماعیل. (۱۳۸۷). کارگاه برنامه‌ریزی شهری (چاپ ششم). تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران.
- سعیدنیا، احمد. (۱۳۷۹). طراحی فضاها و مبلمان شهری. تهران: انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور.
- حبیبی، محسن. (۱۳۷۹). جامعه مدنی و حیات شهری. هنرهای زیبا، ۷، ۲۱–۳۳.
- ارجمند نیا، اصغر. (۱۳۷۹). حیات اجتماعی در شهر جدید. فصلنامه آبادی، ۱۶(۲۹)، ۳۹–۴۵.
- حسینی لاهیجی، سیدرضا. (۱۳۸۹). مبلمان شهری. نشریه تخصصی مبلمان، دکوراسیون و معماری داخلی، ۲۳.
- زنگی‌آبادی، علی. تبریزی، نازنین. (۱۳۸۶). تحلیل فضایی مبلمان شهری در منطقه گردشگری مرکزی اصفهان. پژوهش‌های علوم انسانی دانشگاه اصفهان، ۱، ۴۵–۶۶.
- کریر، راب. (۱۳۷۵). مفهوم تیپولوژیکی و مورفولوژیکی فضای شهری، مترجم دکتر خسرو
- پاکزاد، جهانشاه. (۱۳۸۵). فرآیند طراحی شهری. تهران: انتشارات شهیدی.

- Arjmand Nia, A. (2000). Social life in the new town. Abadi Quarterly, 16(29), 39–45. [in Persian]
- Castells, M. (1977). The urban question: A Marxist approach (A. Sheridan, Trans.). Cambridge, MA: MIT Press. (Original work published 1972 & 1976)
- Gibbins, J., & Oberholzer, B. (1991). Urban streetscape. New York: Van Nostrand Reinhold.
- Habibi, M. (2000). Civil society and urban life. Honarhaye Ziba, 7, 21–33. [in Persian]
- Hosseini Lahiji, S. R. (2010). Urban furniture. Specialized Journal of Furniture, Decoration and Interior Architecture, 23. [in Persian]
- Khattab, O. (1993). Environmental quality assessment. Forum, 2, 36–41.
- Krier, R. (1995). Urban space (Persian translation). Tehran: University of Tehran Press.
- Krier, R. (1996). The typological and morphological concept of urban space (Trans. Dr. Khosrow). [in Persian] (Translator's family name incomplete in original)
- Madanipour, A. (2000). Urban space design: An approach to social and spatial process (Trans. F. Mortezaei). Tehran: Pardazesh va Barnamerizi Shahri Publications. [in Persian]
- Mahdizadeh, J. (2012). The role of urban furniture in the quality of the urban environment. Jostarhaye Shahrsazi, 37 & 38, 6–13. [in Persian]
- Moore, J. P. (1994). Urban spaces: Design, implementation and management (Trans. H. Rezaei). Tehran: Tehran Municipality Publications. [in Persian]
- Pakzad, J. (2006). The process of urban design. Tehran: Shahidi Publications. [in Persian]
- Parsi, H. R. (2003). Understanding the content of urban space. Honarhaye Ziba, 11, 41–49. [in Persian]
- Rafieian, M., & Khodaei, Z. (2010). Urban public spaces: An analytical approach. Tehran: Cultural Research Bureau. [in Persian]
- Saeednia, A. (2000). Design of urban spaces and furniture. Tehran: Municipalities Organization Publications. [in Persian]
- Shie, E. (2008). Urban planning workshop (6th ed.). Tehran: Iran University of Science and Technology Publications. [in Persian]
- Yung, H. K., Conejos, S., & Chan, E. H. W. (2016). Social needs of the elderly and active aging in public open spaces in urban renewal. Cities, 52, 114–122.
- Zanghiabadi, A., & Tabrizi, N. (2007). Spatial analysis of urban furniture in the central tourism area of Isfahan. Human Sciences Research of University of Isfahan, 1, 45–66. [in Persian]
- Zeinali, S., & Babaei, B. (2015). Organizing the urban furniture. International Research Journal of Management Sciences, 3(1), 9–13.

ISSN: 2588-4255